

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان- اتحاد سوسیالیستی کارگری
۰۱ مارچ ۲۰۲۰

اطلاعیه مشترک در مورد توافق صلح امریکا و طالبان

پروژه مصالحه و شریک ساختن طالبان در قدرت سیاسی هرچند سال‌ها قبل با راه اندازی "شورای عالی صلح" و مخارج هنگفت منابع مالی در این زمینه در دستور قدرت حاکمه و حامیان جهانی آن قرار گرفته بود ولی از ۱۲ اکتوبر سال پار مسئله صلح میان امریکا و طالبان به صورت جدی با اولین دور مذاکرات مستقیم نمایندگان آن‌ها در دوحه قطر رسمیت یافت.

در متن و بستر وضعیت جدید جهانی و منطقه‌ای و منافع قدرت‌های بزرگ سرمایه داری امریکا، اتحادیه اروپا، چین، روسیه و کشورهای دیگر منطقه از جمله ایران و پاکستان به نوعی از اجماع برای شکل دادن به آینده سیاسی افغانستان و ایجاد نظم و ثبات در این منطقه پر آشوب رسیده اند که در آن قرار نبوده و نیست که خواست و مطالبه مردم از آن میان کارگران، زنان و جوانان مورد توجه باشد. از همان آغاز تهاجم نیروهای نظامی امریکا در اکتوبر ۲۰۰۱ به سیاق گذشته شاهد همسوئی امریکا و نیروهای اسلام سیاسی در وجوه مختلف آن بوده ایم. اگر ملا عمر رهبر امارت اسلامی طالبان به درخواست تحویل اسامه بن لادن رهبر القاعده پس از حادثه ۱۱ سپتمبر به قدرت حاکمه امریکا عمل کرده بود، دولت نیویورک‌ها به رهبری جان واکر بوش به جهنم بر پا داشته شده "امارت اسلامی" طالبان در افغانستان که امپریالیسم امریکا در همراهی پاکستان و کشورهای عربی حوزه خلیج خود یکی از معماران آن به شمار می‌رفت کاری نداشت. اما آنچه که بعداً در بوق و کرنا شد از جمله "رهائی زنان" افغانستان تلاشی برای توجیه مداخله نظامی و مشروعیت بخشیدن به اشغالگری و تجاوز عریان امپریالیستی بود.

از همان آغاز عزم سیاسی در از میان برداشته شدن کامل طالبان وجود نداشت. زیرا استفاده از اسلام سیاسی همچنان یکی از گزینه های عمده در سیاست خارجی امریکا و متحدان اروپائی آن‌ها از جمله در افغانستان بود. به همان دلیل بخش عمده ای از رهبران طالبان با هواپیما های نظامی پاکستان همراه با نظامیان پاکستانی به مأمور امن پاکستان انتقال داده شدند تا دوباره به عنوان یک گزینه مورد استفاده قرار گیرند. با وجود این همه کشتار و جنایت لجام گسیخته و تباهی هست و بود مردم زحمتکش از چند سال بدین سو است که بورژوازی جهانی و رسانه های مواجب بگیر آن از جنایتکاران طالب قباحات زدائی نموده و چنین در اذهان مردم عاصی از جنگ، فقر و جنایت القاء می‌کنند که جز گزینه صلح و آشتی با طالبان و شکل دادن به امارت اسلامی که در آن همه نیروهای ارتجاعی از مذهبی و ناسیونالیست تا نیولیبرال سهم داشته باشند راه دیگری نیست.

هجده سال پس از مهندسی ساختار سیاسی و ادعای "دموکراتیزاسیون" حیات اجتماعی و "رهائی زنان" که در حقیقت چیزی جز تداوم جنگ، بربریت، فقر و محنت نبوده، می خواهند بار دیگر به بهانه صلح و امنیت و بدون دخالت و نقش مردم در تعیین سرنوشت شان امارت اسلامی سرمایه را در مشارکت طالبان و سایر نیروهای مرتجع و جنایتکار اسلامی از بالا بر کرده مردم آزادی خواه اعم از زن و مرد تحمیل کنند. همه فعل و انفعالات سیاسی در افغانستان از تأخیر در برگزاری انتخابات تا تأخیر در اعلام نتایج آن همه تابع یک پروسه موازی یعنی مصالحه آمریکا با طالبان و به نتیجه رسیدن آن بوده است. با وجود اعلام شدن نتیجه کارنیوال انتخابات به نفع "اشرف غنی" به عنوان رئیس جمهور از جانب کمیسیون "مستقل" انتخابات همه جناح های رقیب از جمله تیم "ثبات و همگرایی" به رهبری "عبدالله عبدالله" با نپذیرفتن نتیجه اعلام شده و اعلام حکومت موازی تحت عنوان دولت فراگیر و همه شمول عملاً زمینه را برای تسریع شکل گیری ساختار سیاسی جدید و به ثمر نشستن پروژه صلح آمریکا و طالبان مساعد ساخت. قبول تأخیر در برگزاری مراسم تحلیف ریاست جمهوری از جانب غنی و عبدالله به دستور قدرت حاکمه امپریالیسم آمریکا نشان داد که این بورژوازی جهانی و قدرت حاکمه در آمریکا است که بر محور ستراتیژی و منافع کلان سیاسی و اقتصادی اش در معادلات منطقه ای و جهانی ساختار سیاسی مقتضی را شکل و سازمان می دهند و مهره کارآمد را در راستای اجرائی شدن سیاست ها و اهداف مطمح نظر شان همانند هجده سال گذشته انتصاب و به مسند قدرت خواهد نشانند. خلیل زاد نماینده دولت آمریکا در همراهی با قدرت ها و دول منطقه در پایان انجام مأموریتش برای شکل دادن به آینده سیاسی افغانستان به رهبری و مشارکت طالبان رسیده است و توافق نامه حاصل از آن امروز شنبه ۲۹ فبروری ۲۰۲۰ در دوحه قطر، از جانب خلیل زاد به نمایندگی آمریکا و ملا عبدالغنی برادر معاون دفتر سیاسی طالبان در حضور مایک پومپئو وزیر خارجه آمریکا و ناظرانی از چین، روسیه و کشورهای دیگر به امضاء رسید.

این روشن است که مردم از خشونت و جنگ و نابرابری و فقر به ستوه آمده اند و خواهان آرامش و امنیت اند. قدرت حاکمه و حامیان جهانی آن و قدرت های منطقه ای از جمله جمهوری اسلامی ایران شریک پروژه شکل دادن به "امارت اسلامی سرمایه" اند و زمینه های شکل گیری آن را از طریق تأمین منافع خودشان ضمانت می نمایند؛ قدرت حاکمه آمریکا و سران قدرت سیاسی در افغانستان تمام مصائب اجتماعی از ستم جنسیتی تا بیکاری، فقر و جنایت را حاصل جنگ و منازعه جاری می دانند و بر همین اساس حاضرند که گشایش های نسبی مانند آزادی بیان، مشارکت زنان، انتخابات و ... را که این همه به آن به عنوان دست آورد مباحثات می شود و طی این چند سال مردم به آن ها دست یافته اند قربانی منافع ستراتیژیک خود شان برای دست یافتن به نوعی از ثبات سیاسی سازند. اما واقعیت امر این است که "صلح" نیروهای ارتجاعی و تمام پروژه به راه افتاده حاصلی جز استحکام هرچه بیشتر قدرت نیروهای ارتجاعی حاکم و تداوم فقر، ستم و نابرابری در اشکال دیگری برای اکثریت مردم کارگر و زحمتکش در پی خواهد داشت.

وضعیت جدید و واقعیت جاری جامعه افغانستان بروشنی نشان داد که راه های حل بورژوا-امپریالیستی نمی تواند منجی مردم از بربریت و توحش و رسیدن به آزادی و رفاه باشد. نقطه مقابل تحولات سیاسی در افغانستان که اجماع جهانی و منطقه ای برای شریک کردن یک ارتجاع اسلامی در حاکمیت افغانستان است، مبارزات مردم ایران از جدی ۹۶ تمام اشکال حاکمیت اسلام سیاسی در اپوزیسیون و حاکمیت را زیر فشار گذاشته و می رود تا با پیروزی مردم یک ضربه مهلک و کشنده به تمامی جریانات اسلام سیاسی در منطقه بزند. راست بورژوائی در ایران از سلطنت طلب تا جمهوری خواه و مجاهد و ناسیونالیست که بعضاً به حمایت آمریکا دل بسته اند، همگی با رژیم اسلامی اختلاف سیاسی دارند و سیستم اقتصادی نیولیبرال رژیم اسلامی را حفظ خواهند کرد در تلاش اند تا با حفظ ارگان های سرکوب همین رژیم هرگونه مخالفت کارگران و زحمتکشان را سرکوب کنند. علیه یک چنین آینده شومی، اتحاد جنبش های کارگری،

دانشجویی، زنان، رفع ستم ملی و اعتراضات معلمان و بازنشستگان قرار دارد که در تلاش اند پس از رژیم اسلامی سیستمی را ایجاد کنند که بر محور سود صاحبان سرمایه و صنایع نچرخد و برای مردم ایران رفاه و آزادی به وجود آورد.

مشارکت طالبان در قدرت و شکل دادن به یک ساختار سیاسی جدید چه تحت نام "جمهوریت" و چه "امارت" به معنای ختم مصائب مردم و پایان یافتن کشتار، بربریت و جنایت نیست. همین امروز پرچم داعش را به عنوان بدیل طالبان به رسم تدویم فاجعه به اهتزاز در می‌آورند تا حضور نامیمون شان را در منطقه و افغانستان مشروعیت بخشند. بناءً برای رهائی از این وضعیت و دست‌یافتن به یک صلح پایدار و واقعی باید صف میلیونی جنبش آزادیخواهانه مردم از زن و مرد را که به راه های حل ارتجاع بورژوا-امپریالیستی توهمی ندارند شکل داد. ترسیم یک چنین افقی و شکل دادن به آن یگانه گزینه معقول و مطلوب برای رسیدن به صلح واقعی، که در حقیقت رهائی از وضعیت جاری و سازمان دادن یک جامعه عاری از ارتجاع، ستم و نابرابری است می‌باشد.

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان و اتحاد سوسیالیستی کارگری از فعالان جنبش کارگری، نیروهای سوسیالیست، آزادی‌خواه و جنبش‌های عدالت‌خواه و مترقی از جمله جنبش برابری طلبانه زنان می‌خواهند که برای شکل دادن به یک چنین الترناتیوی تلاش ورزیده و گام‌های عملی و نظری جهت دست‌یافتن به آن را بردارند.

زنده باد سوسیالیسم!

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

اتحاد سوسیالیستی کارگری

۱۰ حوت / اسفند ۱۳۹۸ ؛ ۲۹ فیروزی ۲۰۲۰